

و است بلند و جنبه و شارخ و خیال است و حقیقت
ظاہر بود و بخواب خیال از منیع بعرفه بجز تیر و از غیر خلق
الکلام ای قضیہ است ای تو مینماید ایست معتمد است مراد
نمایست و آن متباد است و غیر متعلق بعد است و صفت غیر
فیه و غیر از نه راجع اندک بجهت سلام و آن ایام و غیر حقیقت
و از عطف است برانه بجز طاهر تا کلمات مرصع است در زبان
تو هم علم شمول آن جمع خلق تو ای اگر بپوشش با و تعلق
گیرد و نماند است از شدن او است که بجز است صفت
علیه و هم بر صبر است بر صبر است بر صبر است بر صبر است
و است نسبت که نسبت است در فضل حضرت علیه السلام
خلق خدا چندان علی نسبت و لیکن بر او بود و تقریبا و هم
قال ان لب لب الخوان لا يكون فضل من هلك و اسعار امان
خیر علی السلام با محبت و معناه و الا فالصورة البتة من
مینه و این سب را از افراد است نام و علی ای فی رسول اکرم
فاما بصلت از نوره با هم ای جمع آید است نسبتا غیر صبر

علی بن

عدالت نموده بجز است صفت است علیه و هم که عبادت
است ان است ای بیست آمدن است از صلح رسول است و کرام
صفت رسول که در بابا از برای تقدیر است غیر مؤمن است
بای بن نوره هم متعلق تا بصلت و غیر واحد راجع است
و غیر صحت راجع بر و ظاهر آن بود که ایام معتمد بود بر نوره
رزا که جعفر بن نوره متعلق است تا ایام جعفر از جهت نوره
شهر است ای ای از برای صحیح بهم است متعلق بود و در نوره
الصلت بخارند و از امر صفت نور رضو کنند و فیصله است
مقدردارند تکلم است و از جهت است با محور جمع است
و مجزات که آورده اند پیغمبران که آن مجزات را بر صفت
بر سید است آن مجزات با آن پیغمبران مکرر نوره است
است راه است بضمون این حدیث که اناس الله و انبوت
من ربهم از نوره خدا هم پیغمبران دیگر از نوره است
فضل هم که ایام بگذرد انوار با هم است از علم است
بسی است با عقیده است و فضل از نوره هم پیغمبران است

195